



۲۰۱۲/۱۱/۱۱



داکتر عبدالرحمن زمانی

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی: نمونه های از شواهد و اسناد دسایس برای سقوط رژیم امانی (قسمت ۳۵)

پنج پادشاه در یک سال و برخورد متفاوت انگلیس ها با مدعیان تاج و تخت کابل

سال ۱۹۲۹ شمسی در افغانستان سال بی سابقه پادشاه گردشی بود. درین یک سال افغانستان پنج پادشاه داشت (غازی امان الله خان، سردار عنایت الله خان، حبیب الله خان کلکانی، علی احمدخان، و بلاخره در آخر سال محمدنادرشاه).

استعفای سردار عنایت الله خان امپراتوری بریتانیا را خرسند و یک قدم دیگر به تحقق پلانهای شان نزدیکتر ساخت. کارمندان ظاهراً غیر مسلح سفارت انگلستان به ساعت یک بعد از ظهر به ارگ شاهی رفته عنایت الله خان و اعضای خانواده اش را به میدان هوایی همراهی نموده و به دو طیاره که منتظر شان بود رهنمائی کردند. بعد از استعفای سردار عنایت الله خان و اعلام مجدد سلطنت غازی امان الله خان، سفیر انگلیس در یک وقت با سه پادشاه معامله داشت: امان الله خان در قندهار، علی احمدخان در جلال آباد و حبیب الله کلکانی در کابل.

راجع به محمد نادر خان بعداً به تفصیل صحبت خواهد شد. محمد نادرخان یکی از کاندیدان مورد نظر انگلیس ها بود که برای چنین روزی در نظر گرفته شده بود. اما آنها نمیتوانستند بنا بر دلایل مختلف از وی حمایت علنی کنند. صرف نظر از نفرت مردم از انگلیس ها و دست نشانندگان شان، بقدرت رساندن علنی محمدنادرخان نتنها مورد استفاده تبلیغاتی حکومت های قندهار، جلال آباد و کابل قرار میگرفت، بلکه این کار بحیث واضح ترین مداخله انگلیس ها در امور داخلی افغانستان سبب عکس العمل شدید در هند، روسیه و کشورهای رقیب دیگر نیز میگردد. (۱)

دو نفر از مدعیان دیگر تاج و تخت که راجع به آنها کمتر صحبت شده است، یکی غوث الدین خان احمدزی پسر جاننادر خان احمدزی بود، که میگفت «اگر بچه سقاوامیر شده میتواند، هر کس دیگر هم میتواند»، و دیگری هم سردار محمد عمرخان پسر سردار ایوب خان بود که مثل عبدالکریم خان پسر امیر یعقوب خان در دوران اغتشاش منگل، اینبار در دوران اغتشاش شینوار از قلمرو هند بریتانوی به سرحد آزاد آمده بود.

موقف انگلیس ها راجع به غازی امان الله خان، با در نظر داشت دشمنی و نفرت دیرینه هردوجانب بسیار روشن بود. «آستین چمبرلین» Austen Chamberlain، وزیر خارجه انگلستان، بتاريخ ۲۹ جنوری ۱۹۲۹ در جوابیه رسمی ای که از قبل بدقت زیاد و الفاظ شمرده برای پارلمان تهیه شده بود، و «ویسکونت پیل» Viscount Peel وزیر خارجه برای امور هند نمیخواست در آن به امان الله خان، یا حکومت مرکزی آینده افغانستان کدام اشاره شده باشد، سهواً از روی مسوده قبلی ای که در دست داشت، خواند که «حکومت اعلیحضرت [بریتانیا] هیچ قصد مداخله در امور داخلی افغانستان و حمایت یا کمک به یکی از طرفینی که فعلاً مدعی قدرت اند، را ندارد. آنها صادقانه خواستار تأسیس یک دولت مرکزی قوی بوده، و آماده خواهند بود بعد از تأسیس چنین حکومتی، کمک خود را در بازسازی و انکشاف کشور به مردم افغان نشان دهند. شاه امان الله رسماً استعفایش را به حکومت اعلیحضرت [بریتانیا] اعلام کرده و در نتیجه آن تا وقتی که روشن نشده باشد با وجود کناره گیری اش برای عموم مردم افغانستان بحیث پادشاه شان قابل قبول است، حکومت اعلیحضرت نمیتواند حکومت او را بحیث حکومت مشروع افغانستان قبول کند.» (۲)

در اعلامیه تصویب شده که باید خوانده میشد، فقط ذکر شده بود که «تنها مردم افغانستان باید فیصله کنند که چه کسی بر تخت افغانستان بنشیند و حکومت اعلیحضرت منتظر فیصله آنها خواهد بود.» بعد از این بیان و نشر آن از طریق مطبوعات، «آستین چمبرلین» مجبور شد از «ویسکاونت پیل» معذرت بخواهد و خواهش کند برای این غلطی [افشای پالیسی و نیت اصلی شان] از نائب السطنه هند عذر خواهی کند.

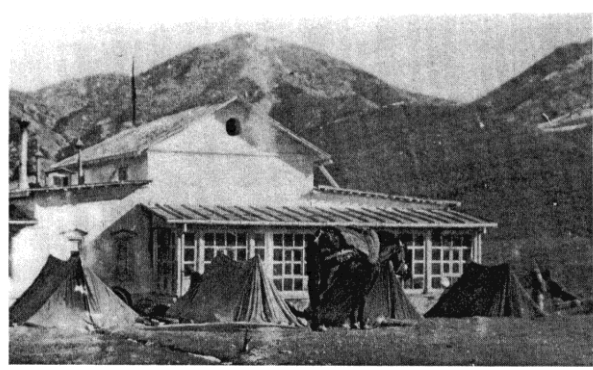
قبلاً دیدیم که انگلیس ها از یکطرف از قرارداد با حکومت امان الله خان صحبت کرده از تأسیس نمایندگی سیاسی روسیه در قندهار جلوگیری میکردند، و از طرف دیگر هم حکومت او را غیر قانونی دانسته برسمیت نمیشناختند. غلام صدیق خان چرخی وزیر خارجه امان الله خان در عکس العمل بمقابل این پالیسی انگلیس ها، خصوصاً بیانات وزیر خارجه انگلستان در پارلمان، به قونسل انگلیس در قندهار احتجاج نموده نوشت که سلطنت امان الله خان را دولت بریتانیا به اساس معاهده ۱۹۲۱ برسمیت شناخته و بعد از آن هیچگاهی این شناسائی خود را پس نگرفته است، بنابراین واقعه چندروزه که مربوط به سیاست داخلی افغانستان میباشد، به هیچ وجه سبب قطع و ختم شناسائی رژیم امانی شده نمیتواند. بعد از آن غلام صدیق خان به موضوع خودداری بریتانیا از نقل اموال ترانزیتی افغانستان از راه هند به داخل خاک افغانستان اشاره و آنرا مخالف معاهده ۱۹۲۱ دانسته و اظهار تعجب نمود که اسلحه، وسایل و لوازم نفیسه که خود امان الله خان شخصاً در اروپا از کشورهای دوست بشمول انگلستان به قسم هدیه دریافت نموده و یا خریداری کرده است، چگونه امروز به بهانه اعلان غیرجانبداری، از ارسال و تسلیم آن به او انکار شده میتواند.

سفیر انگلیس در پیشنهادی راجع به جواب غلام صدیق خان چرخی نوشت که «این یک حقیقت تلخ است که نه امان الله خان و نه غلام صدیق خان هیچکدام در بین شان یک دوستی هم در کشور ندارند.» به گفته محققین غربی شدت احساسات ضد امانی همفریز علاوه بر نادرست بودن ادعایش که آنها هیچ دوستی در افغانستان ندارند، ازین هم معلوم میشود که در تمام مکاتیب مربوط به افغانستان مأمورین انگلیسی، این تنها مکتوبیست که در آن غلطی گرامری بمشاهده میرسد.

علی احمدخان لوی ناب (شاغاسی) یک شخص جاه طلب و از مدت ها قبل آرزوی سلطنت را در سر میپرورانید. او که توسط غازی امان الله خان برای فرونشاندن آتش اغتشاش بحیث رئیس تنظیمیه نظامی و ملکی با اختیارات تام به سمت مشرفی فرستاده شده بود، بتاريخ ۳۰ دسمبر ۱۹۲۸ هنگامکه لشکر اغتشاشیون شینوار در هده و اغتشاشیون خوگیانی در چهارباغ و سلطانیور بودند، با رهبران شورشی شینوار، خوگیانی و سرخ رودی در چهارباغ ملاقات نمود. علی احمد خان به آنها گفت «بشرطی که او را به پادشاهی بپذیرند، و خزانه دولتی را از او نگیرند، دروازه های جلال آباد را بروی شان باز خواهد کرد و اسلحه و مهمات دولتی را بین این سه قوم تقسیم خواهد کرد». راپور کمیشنر عمومی در پشاور می افزاید که «رهبران شورشی موافقت کردند و او بعد از آن به همراهی محمد علم خان و رهبران شورشی دیگر ذریعه موتر به جلال آباد برگشت.» (۳)

علی احمدخان بعد از مراسم دستاربندی اش بتاريخ ۲۰ جنوری توسط نقیب صاحب، لشکری را که اکثریت شانرا شورشیان مخالف غازی امان الله خان تشکیل میداد، برای گرفتن کابل آماده میساخت. اما انگلیس ها باوجود سوابق همکاری و خدمات علی احمدخان او را بحیث پادشاه افغانستان نتنها قبول نداشتند، بلکه طوری که بعداً ذکر خواهد شد، با وی برخورد نامردانه و خشن نیز نمودند.

ستاره بخت علی احمد خان وقتی روبه زوال رفت که کمشنر پشاور در گزارش خود نوشت که چانس علی احمد خان بحیث پادشاه افغانستان رو به کاهش است. در جرگه دوم فبروری شینواری ها تحت سرپرستی محمد علم خان در گندمک، وزیر خیل های خوگیانی تصمیم گرفتند با او مخالفت کنند. جرگه اقوام در بتخاک هم فیصله کرد تا قبل از اعلام حمایت از وی، منتظر فیصله سمت جنوبی باشند. (۴) نقیب صاحب هم به او توصیه کرد که تا زمان تعیین امیر از حکومت واری کند، اما خود را امیر واقعی تلقی نکند. بعد از آنکه والی علی احمد خان از مردم خوست هم جواب منفی شنید، بتاريخ سوم ماه فبروری نامه به همفریز از طریق پشاور و بعداً توسط طیاره به کابل فرستاد. او درین نامه اش نوشت که «امان الله خان قبلاً ثابت نموده است که بی ارزش میباشد و قابلیت تاج شاهی را ندارد و حبیب الله محض یک رهن است.» **علی احمد خان خود را**



د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

دوست قدیمی انگلیس ها اعلان کرد و گفت بریتانیا موقع خوبی را بدست آورده که یک دوست را بر اریکه قدرت برساند. او از حکومت بریتانیا یک میلیون پوند سترلینگ، صد(۱۰۰) لاری بادریور و دو میخانیک، ۲۰۰۰ خیمه، یونیفورم و بالاپوش برای دوهزار نفر، بیست هزار تفنگ، بیست میلیون گلوله، ۳۰ توپ کوهی با هزار مرمی، یک هزار رأس اسب مکمل با پالان و غیره ضروریات، ۱۲ دستگاه تلفون بیسیم با مخابره چی، یک تعداد طیارات نظامی و طیاره بزرگ مسافربری با پیلوت انگلیسی و ۸۰ هزار گیلن تیل برای طیارات را تقاضا کرد.

علی احمدخان با قوای عسکری و لشکر قومی بطرف کابل حرکت و در جگدک مرکز گرفت. درین جا دو واقعه سبب شد تا سلطنت علی احمدخان بعد از ۲۲ روز پایان پذیرد. واقعه اول فرود آمدن اجباری یک طیاره انگلیسی با یک پیلوت و یک میخانیک در بستر دریای جگدک در نزدیکی اردوگاه علی احمد خان بود. پیلوت و میخانیک این طیاره که به آن آسیب زیادی نرسیده بود، توسط پاسداران نزد علی احمدخان برده شدند. چپمن Chapman و دیویس Davis بعد از سپری نمودن پنج - شش روز در جگدک ذریعه موثر به همراهی محافظین و شخصی که توسط نقیب صاحب فرستاده شده بود، نزد قونسل انگلیس که در آنوقت از جلال آباد نزد نقیب صاحب در چارباغ پناه برده بود، فرستاده شدند. علت فرود آمدن این طیاره خواه عوارض تخنیکی و یا رساندن پیغام هوشدار انگلیس ها مبنی بر خودداری از حمله بر کابل بوده باشد، برای علی احمدخان شگون بد بود، زیرا مردم او را دست نشانده انگلیس ها دانستند. واقعه دیگر هم اختلافات دیرینه میان ملک های پرنفوذ حامی علی احمدخان بود که منجر به کشته شدن



هر دو ملک محمدشاه خان خوگیانی (برادر ملک قیس) و ملک محمدجان خوگیانی شد. از طرف دیگر افراد قبایل خوگیانی و شینواری اردوگاه او را به شمول خیمه و یونیفورمش تاراج نموده، و او هم در حالی که هیچ کس حاضر به پناه دادن او نبود، پای پیاده از بیراهه های لغمان و کنر به منطقه مهندرفته از آنجا به پشاور رسید.

کمپ علی احمدخان در جگدک

آن شینواری ایکه برای آوردن مأمورین طیاره انگلیسی به جگدک فرستاده شده بود

چپمن Chapman مأمور انگلیسی در پناه نقیب صاحب (قلعه چارباغ ننگرهار)



انگلیس ها در کابل از حبیب الله کلکانی تا آوردن

زماندار مورد نظر شان برای یک دوره انتقالی استفاده

میکردند. هم کمشنر عمومی انگلیس ها در پشاور و هم

سفیر انگلیس در کابل معتقد بودند که سلطه او بر کابل

دیری دوام نخواهد کرد، و او نمیتواند مقام پادشاهی تمام

افغانستان را کسب کند. (۵) انگلیس ها برای اینکه حبیب

الله کلکانی درین دوران در اعمال و حرکات خود از حد و

چوکات تعیین شده خارج نشود، یک عده از اشخاص

باتجربه و کارداران را در اطرافش قرار دادند که مهمترین

و معتمدترین آنها شیرجان وزیر دربار بود. برادران دیگر

او عطالحق خان وظیفه وزارت خارجه، محمد صدیق خان قوماندانی قول اردوی مرکزی و محمد کریم

خان ریاست ضبط احوالات را به عهده داشتند. در پهلوی اینها اشخاص دیگر مثل محمودسامی قوماندان

سابق قول اردو، سردار شیراحمدخان زکریا رئیس عمومی تفتیش و سردار فیض محمدخان زکریا

وزیرمعارف دوره امانی بحیث مشاورین خاص حبیب الله کلکانی را تحت محاصره گرفته بودند. سردار

فیض محمدخان زکریا که شش ماه قبل از پادشاهی حبیب الله کلکانی در نطق افتتاحیه جشن استقلال در

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرولو مخکې په خير و لولئ

ستدیوم باغ عمومی پغمان ، امان الله خان را «امان الله کبیر» لقب داده بود، حالا مدیریت جریده «حیب الاسلام» یعنی ارگان تبلیغاتی حیب الله کلکانی را بعهدہ گرفت و سردار شاه محمود خان برادر محمدنادرخان نیز بحیث منشی خصوصی حیب الله خان کلکانی تعیین شد.

کمپاین برای محمد نادرخان

اسناد محرمانه آرشیف انگلستان نشان میدهد که مکوناجی، کسی که در دوران اغتشاش منگل بحیث شارژدافیر سفارت انگلستان وظیفه داشت، و حالا در دوران اغتشاش شینوار، بحیث پولیتیکل ایجنت یامأمور سیاسی در ایجنسی کرم که ساحة فعالیت های حضرت نورالمشایخ و لارنس عربی نیز بود، مشغول فعالیت بود، قبل از حرکت محمد نادر خان از فرانسه برای اوبحیث پادشاه آینده افغانستان مشغول کمپاین بود. او در ملاقات های که با ملک های عمده قوم جاجی داشت، سه نکته اساسی را مورد بحث قرار داده و به توافق رسیده بود. این نکات عبارت بودند از (۱) حمایت از نادرخان بحیث پادشاه، (۲) کمک بمقابل مداخلات روسیه شوروی، و (۳) تعیین ۱۶ نماینده از هر قوم سمت جنوبی بمقصد انتخاب پادشاه در جرگه که بعد از ماه رمضان دائر خواهد شد. (۶)

همچنان شاه محمود خان برادر کوچکتر محمدنادرخان شام پنجم فیبروری یک ملاقات شش ساعته با همفریز سفیر انگلیس در کابل داشت. شاه محمدخان درین ملاقات به سفیر انگلیس گفت که درین چند روز آخر بحیث منشی خصوصی حیب الله کلکانی کار کرده و از طرف او مأمور شده است تا فردا برای تشویق اقوام به صلح بطرف ولایات مشرقی و جنوبی حرکت کند. به عقیده شاه محمود خان جلوگیری از وخامت اوضاع و خطر تخریب سفارت انگلیس یا به عبارت دیگر همه چیز به آمدن هرچه زودتر نادرخان و برادرانش بستگی دارد. (۷)

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ:

- ۱- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
- ۲- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۱۴ مؤرخ ۲ فیبروری به وزیر دولت برای امور خارجه هنددر لندن، L/P&S/10/1301.
- ۳- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۵ مؤرخ ۵ جنوری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
- ۴- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۷ مؤرخ ۷ فیبروری کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
- ۵- همانجا، تلگرام شماره ۷۹ مؤرخ ۲۳ جنوری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی .
- ۶- همانجا، تلگرام شماره ۱۱۲ مؤرخ ۳ فیبروری ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی .
- ۷- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۶۶ مؤرخ ۸ فیبروری سفیر کابل به وزارت خارجه انگلستان..

د پانو شمیره: له 4 تر4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ